



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



همروان‌دارانگاری PANPSYCHISM

هادی قهار
اول شهریور ۱۴۰۲
مدرسه تابستانی فلسفه ذهن
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

همه‌روان‌دارانگاری (Panpsychism)

◦ **ایده اصلی:**

◦ ذهن‌مندی (Mentality) در طبیعت بنیادین است

◦ ذهن‌مندی همه جا حاضر است

◦ هر چیزی ذهن دارد

◦ اگر بپذیریم که همه چیز از چیزهای بنیادی‌تر و ریزتر تشکیل

شده است، خواهیم پذیرفت که طبق همه‌روان‌دارانگاری، حداقل

برخی موجودات سطح خرد، ذهن‌مندی دارند

همه‌روان‌دارانگاری (Panpsychism)

◦ در نگاه اول:

◦ احمقانه است

◦ تنها موجودات زنده، یک زندگی درونی و همراه با تجربه دارند
◦ خلاف شهود است که یک الکترون نوعی زندگی درونی داشته باشد

◦ اینکه برج ایفل، عدد ۲ و هر چیزی، صاحب آگاهی و تجربه باشد، خیلی عجیب است

همه‌روان‌دارانگاری (Panpsychism)

پاسخ:

- بسیاری از نظریه‌های علمی در نگاه اول احمقانه و خلاف شهود به نظر می‌رسیدند
- نظریه نسبیت آینشتاین
- نظریه انتخاب طبیعی داروین
- اصل عدم قطعیت هایزنبرگ در مکانیک کوانتوم
- ...

همه‌روان‌دارانگاری (Panpsychism)

مسئله ذهن-بدن:

- چگونه ذهن آگاه به جهان فیزیکی مرتبط می‌شود
- از طرفی هیچ پدیده‌ای شناخته شده‌تر از آگاهی نیست
- از طرف دیگر مشکلات زیادی در فهم پدیده آگاهی داریم
- به ویژه هنگام مطابقت دادن جنبه‌های ذهنی و کیفی آگاهی با تصویر عینی و کمی و علمی ما از جهان فیزیکی
- وظیفه مهم علم و فلسفه: یافتن روشی برای پر کردن این شکاف و در نتیجه نشان دادن جایگاه آگاهی در طبیعت

همه‌روان‌دارانگاری (Panpsychism)

◦ راه حل های عمده:

◦ دوگان‌انگاری (Dualism)

◦ آگاهی بیرون از محدوده فیزیکی است و لذا ماهیت اساسا غیر فیزیکی دارد

◦ فیزیکی‌انگاری (Physicalism)

◦ از آنجا که واقعیت در طبیعت کاملا فیزیکی است، آگاهی باید نهایتا به عنوان بخشی از جهان مادی تلقی شود

همه‌روان‌داری (Panpsychism)

○ ادعاهای همه‌روان‌داری

- شبیه دوگانه‌انگاری، آگاهی بنیادی و غیر قابل تقلیل است و لذا بر اساس اصطلاحات پایه‌ای تر قابل درک نیست
- شبیه فیزیکی‌انگاری، آگاهی بیرون از طبیعت قرار ندارد، بلکه درون جهان مادی است
- آگاهی همه جای طبیعت حاضر است
- آگاهی تنها توسط انسان‌ها و حیوانات تحقق پیدا نمی‌کنند، بلکه حتی بنیادی‌ترین عناصر فیزیکی هم آگاهی را محقق می‌کنند

همه‌روان‌داری (Panpsychism)

○ ادعاهای همه‌روان‌داری

○ به جای اینکه آگاهی پدیده‌ای اشتقاقی باشد که در سطوح بالاتر ظهور می‌کند، همه سطوح طبیعت در تسخیر آگاهی است

همه‌روان‌دارانگاری (Panpsychism)

○ انگیزه همه‌روان‌دارانگاری

- یک مشاهده درباره فهم مان از خود جهان فیزیکی
- علوم فیزیکی، تنها ویژگی‌های ارتباطی و توانشی ماده را تبیین می‌کنند، اما حرفی درباره ماهیت ذاتی خود ماده نمی‌دهند
- علوم فیزیکی، به ما می‌گویند که ماده چه می‌کند، و هرگز نمی‌گویند که ماده چه چیزی هست!
- بنابراین این پرسش مطرح می‌شود که: اساساً، ماهیت ذاتی ماده چیست؟
- این پرسش را اولین بار برتراند راسل و همزمان با و ادینگتون مطرح کرد

همه‌روان‌داری (Panpsychism)

پاسخ همه‌روان‌داری

ماهیت ذاتی ماده، انواع بنیادی آگاهی است

این پاسخ، این امکان را به ما می‌دهد تا پدیده شناخته شده تر آگاهی انسانی را برحسب نوع بنیادی تر آگاهی که توسط اشیاء فیزیکی بنیادی تحقق می‌یابد، تبیین کنیم

در صورت درستی این ایده، پیشرفت قابل توجهی در مسئله سنتی ذهن-بدن اتفاق می‌افتد

این ایده از مشکلات معروف دوگانه‌انگاری و ماده‌انگاری پرهیز می‌کند

همه‌روان‌داری (Panpsychism)

انواع همه‌روان‌داری

نسخه قوی

هرچیزی ذهن دارد حتی عدد ۲ و برج ایفل

نسخه ضعیف

حداقل برخی اشیاء فیزیکی بنیادی مثل کوارک‌ها و فوتون‌ها دارای حالات ذهنی‌اند

همه‌روان‌دارانگاری (Panpsychism)

◦ استدلال به نفع همه‌روان‌دارانگاری

◦ بهترین دلیل برای پذیرش همه‌روان‌دارانگاری

◦ استدلال دیالکتیک هگلی

◦ فرم استدلال

◦ تز: فیزیکی‌انگاری

◦ آنتی تز: دوگانه‌انگاری

◦ سنتز: همه‌روان‌دارانگاری

همه‌روان‌دارانگاری (Panpsychism)

استدلال هگلی

فیزیکی‌انگاری

هر چیزی اساساً فیزیکی است

دوگانه‌انگاری

هر چیزی اساساً فیزیکی نیست

و چیزهایی که اساساً فیزیکی نیستند، اساساً ذهنی‌اند

همه‌روان‌دارانگاری

هر چیزی (یا حداقل برخی چیزها) اساساً فیزیکی و اساساً

ذهنی‌اند

همه‌روان‌دارانگاری (Panpsychism)

استدلال هگلی

فیزیکی‌انگاری

هر چیزی اساساً فیزیکی است

دوگانه‌انگاری

هر چیزی اساساً فیزیکی نیست

و چیزهایی که اساساً فیزیکی نیستند، اساساً ذهنی‌اند

همه‌روان‌دارانگاری

هر چیزی (یا حداقل برخی چیزها) اساساً فیزیکی و اساساً

ذهنی‌اند

همه‌روان‌دارانگاری (Panpsychism)

◦ فرم خاص استدلال هگی درباره آگاهی

◦ فیزیکی‌انگاری

◦ آگاهی اساسا فیزیکی است

◦ یعنی حقایق مربوط به آگاهی مبتنی بر حقایق فیزیکی اند

◦ دوگانه‌انگاری

◦ آگاهی اساسا فیزیکی نیست

◦ یعنی حقایق مربوط به آگاهی مبتنی بر حقایق فیزیکی نیستند

همه روان دارانگاری (Panpsychism)

استدلال تصورپذیری علیه فیزیکی انگاری و له دوگانه انگاری

تصور موجوداتی با ویژگی های فیزیکی ما و بدون آگاهی امکان پذیر است

اگر چنین باشد، چنین موجوداتی به لحاظ متافیزیکی امکان پذیر اند

اگر چنین باشد، فیزیکی انگاری نادرست است

پس فیزیکی انگاری نادرست است

همه‌روان‌دارانگاری (Panpsychism)

◦ استدلال علی علیه دوگانه‌انگاری

◦ رابطه میان ذهن و بدن به جهت غیر فیزیکی بودن یکی و فیزیکی بودن دیگری، مسدود است

◦ امکان ندارد رابطه علی میان ذهن و بدن وجود داشته باشد
چراکه امکان ندارد نقطه اتصالی میان فیزیک و متافیزیک وجود داشته باشد

همه‌روان‌داری (Panpsychism)

◦ سنتز: همه‌روان‌داری

- برخی اشیاء میکروفیزیکی، آگاه هستند
- اشیاء ماکروفیزیکی (تشکیل شده از اشیاء میکروفیزیکی) به تبع اشیاء میکروفیزیکی آگاه هستند
- آگاهی یا تجربه میکرو داریم که مربوط به اشیاء میکرو است
- آگاهی یا تجربه ماکرو داریم که مربوط به اشیاء ماکرو مثل انسان و حیوان است
- نمی‌توانیم فعلاً بگوییم که آگاهی یا تجربه میکرو چیست؟ اما مطمئنیم که آگاهی یا تجربه میکرو متفاوت از آگاهی یا تجربه ماکرو است

همه‌روان‌دارانگاری (Panpsychism)

○ نسخه‌های همه‌روان‌دارانگاری

○ سازنده

○ آگاهی یا تجربه ماکرو بر آگاهی یا تجربه میکرو مبتنا دارد

○ غیر سازنده

○ میکروتجربه و ماکروتجربه وجود دارد، اما دومی بر اولی مبتنی نیست

○ منجر به نوحاسته‌گرایی می‌شود

همه‌روان‌دارانگاری (Panpsychism)

○ خدانگهدار